



داستان‌های گفته و ناگفته تولد یک رویداد

حراج تهران چگونه پا گرفت؟

یک اقتصاد پویا برسد. مفهوم اقتصاد پویا اسرارناهم به این نقطه می‌رسد که قیمت آثار هنری باید افزایش یابد. وقتی قیمت‌ها نازل است، حرف زدن از اقتصاد هنر بی‌معناست. چون هنر تیراز وسیعی ندارد، ولی می‌تواند با قیمت قابل توجه و پایدار برای خودش ارزش اقتصادی پیدا کند. تلاش‌ها باید به سمتی بروند که خلایق و آفرینش هنرمند قیمت پیدا کند تا اقتصاد هنر قوام یابد و شرایط بهتری برای آموزش و گسترش هنر، معرفی آن و استحکام تئوریک و جنبه‌های نظری آن مهیا شود. و حراج تهران در چنین زمینه‌ای به دنیا آمد و بر اساس فرمت بین‌المللی برگزاری حراج‌های هنری برگزار شد.

مثبت‌یامنی؟

حراج تهران نیز مثل هر پدیده‌های موافقان و مخالفان دارد. موافقان در دلیل موافقت‌شان، تشکیل بازاری برای آثار هنری را مهمترین کارکرد این بازار می‌دانند. مخالفان نیز بیشتر انتقاداتشان در زمینه نقش پدرخوانده‌گی علیرضا سمیع آذر است و البته نکته‌های چون کالایی شدن هنر که در نگاه چپ اقتصادی همواره محل بحث و منازعه بوده است...

اتفاق رخ داده هم موضع موافقان و مخالفان را مستحکم‌تر کرد. وقتی در کوتاه زمانی اقتصاد هنر به‌خصوص در رونمای خود به‌گفته‌های دیگر در ظاهر رونق گرفت، موافقان به نقشی مثبت این رخداد در معیشت هنرمندان و ارزش‌گذاری آثار هنری اشاره کردند و شگفتی که همین نکته نیز باعث استحکام مواضع مخالفان حراج نیز شد. در واقع وقتی در حراج‌ها بانک‌های خصوصی در کنار سرمایه‌گذاران شخصی قرار گرفتند و گران‌ترین آثار حراجی‌ها را خریدند، انتقادها هم شدت گرفت. بانک پاسارگاد رسماً اعلام کرد که آثار هنری را به‌قدر به‌مندی از ارزش افزوده مالی آن و فروش به قیمت بالاتر خریداری می‌کند. همین نیز به منتقدان میدان داد تا این سوال را مطرح کنند که خود سپهری چه جهان‌بینی‌ای داشته است که اثر هنری او را در بازارهای سوداگری مالی خرید و فروش می‌کنند؟

واوایع با همین سر و شکل ادامه دارد. هر چند ماه یکبار حراج تهران تعدادی از آثار را حراج می‌کند و رکورد شکنی‌های قیمتی بهانه‌ای می‌شوند در دست موافقان و مخالفان تا این بحث را تا ابد ادامه دهند.

علیرضا سمیع آذر که پیشتر به مدت هشت‌سال ریاست موزه هنرهای معاصر تهران را بر عهده داشت، پیش‌قدم شد تا به توصیه تعدادی از مجموعه‌داران، گالری‌داران و فعالان هنری حراج تهران را برپا کند. آنان معتقد بودند دیگر شرایط داخل کشور برای برگزاری حراجی مشابه حراج‌های بین‌المللی مهیا شده است، به‌خصوص که افراد باور داشتند به‌مدت

پنجمین محمص و... در این حراج‌ها با قیمت‌های خوبی به فروش رسیدند. وقتی چنین رونقی از قبل درخشش این آثار در دویی حاصل آمده این سوال که چرا این پول‌ها به ایران نمی‌آیند، جدی‌تر دنبال شد. سوالی که موجب شد مسئولان هنری پیش از گذشته جالی خالی این اتفاق را در اقتصاد هنرهای تجسمی حس کنند. در چنین شرایطی بود که

علیرضا سمیع آذر که پیشتر به مدت هشت‌سال ریاست موزه هنرهای معاصر تهران را بر عهده داشت، پیش‌قدم شد تا به توصیه تعدادی از مجموعه‌داران، گالری‌داران و فعالان هنری حراج تهران را برپا کند. آنان معتقد بودند دیگر شرایط داخل کشور برای برگزاری حراجی مشابه حراج‌های بین‌المللی مهیا شده است، به‌خصوص که افراد باور داشتند به‌مدت

پنجمین محمص و... در این حراج‌ها با قیمت‌های خوبی به فروش رسیدند. وقتی چنین رونقی از قبل درخشش این آثار در دویی حاصل آمده این سوال که چرا این پول‌ها به ایران نمی‌آیند، جدی‌تر دنبال شد. سوالی که موجب شد مسئولان هنری پیش از گذشته جالی خالی این اتفاق را در اقتصاد هنرهای تجسمی حس کنند. در چنین شرایطی بود که

دلال‌ها هم باشند چه اشکالی دارد؟

و ممکن است ۲۰۰ میلیون تومان به فروش برسانند. به گفته او آقای سمیع آذر در این مدت خیلی زحمت کشیده و یکی از برنامه‌هایش این بود که جلسات متعددی گذاشت برای آنهایی که مثلاً در بازار فرش و مبیل و... حاضر بودند و این نوع اشیا را خرید و فروش می‌کردند، توضیح داد و تبیین کرد که به سمت خرید آثار هنری بیایند و در این زمینه موفق هم بود. مشکلی که الان وجود دارد این است که این حراج که به نفع هنرهای تجسمی در کشور است، گاهی بحث‌هایی را به وجود می‌آورد. اگر تا دیروز فردی می‌رفت و یک فرش را چند میلیون تومان می‌خرید، کسی صدایش درمی‌آمد، اما حالا وقتی یک تابلو مثلاً یک‌میلیارد به فروش می‌رود، همه صدایشان درمی‌آید. این را باید بپذیریم که تا قبل از این هنر ما زمینی بوده و حالا همزمان دیواری شده است. او درباره حضور دلال‌ها در حراج تهران هم گفت: چه اشکالی دارد دلال‌ها هم باشند. من خودم تابلویی را به یک نفر فروخته‌ام فلان قدر و سه‌صدت چرخیده و سه‌هزار به فروش رسیده است. به‌عنوان یک هنرمند از این موضوع خوشحال می‌شوم. چون این کار باعث چرخش اقتصاد هنر می‌شود. منتهی بحثی که هست من خودم هنرمندان نباید وارد گردونه شوند. به‌عنوان یک هنرمند، اثر هنری را تولید می‌کنم. این اثر وقتی تولید و به بازار عرضه شد، دیگر حکم یک کالا را پیدا می‌کند و ممکن است همه گروه‌ها در این بازار حضور داشته باشند.



عین‌الدین صادق زاده، هنرمند ایرانی هنرمند که با تابلوی نقاشی خط در این حراج حضور داشت، درباره مزایای حراج تهران در حوزه تجسمی گفت: این موضوع دو بخش دارد یک بخش خیلی ساده است و آن این که جایی هست که تابلویی به‌عنوان یک هنرمند تولیدکننده محصول هنری را به فروش می‌رساند و وقتی یک تابلو در این بازار به فروش می‌رسد، این یعنی من کالایم را به فروش رساندم و خودش به‌خودی‌خود یک نفع و مزیت است، اما از زاویه دیگر، این حراج می‌تواند چرخ اقتصاد هنرهای تجسمی را به حرکت درآورد و جایی باشد تا افرادی بیایند که خواهان کالای فرهنگی هستند و برای خرید این کالا هزینه کنند. این یعنی بازار هنر به گردش درمی‌آید و روند تولید کالای فرهنگی شتاب می‌گیرد، کما این که این اتفاق افتاده است. ما تا ۱۰ سال پیش که این حراج نبود، جایگاهی در سطح جهان نداشتیم، اما حالا به‌جای ما در جهان جایگاه پیدا کرده‌اند. درباره تعیین قیمت تابلوها گفت: گاهی موضوعی درباره قیمت در حراج مطرح می‌شود که خیلی به واقعیت نزدیک نیست، بحث این است که در بسیاری از حراج‌ها ریسک وجود دارد و قیمت پیشنهادی از آن چیزی که من تابلو را در گالری می‌دهم و موضوعاتی شبیه به این واقعیت هست که این طور نیست. این کار یک شیوه دارد که در آن تعدادی از گالری‌دارها با هنرمند به توافق می‌رسند که قیمت یک تابلو چقدر است و اینها هم افرادی هستند که خبره این کارند.

مسیر خریدها از خرج به داخل تغییر کند

حبیب‌الله صادقی، هنرمند ایرانی هنرمند که در این حراجی اثری به شیوه «ترکیب مواد روی بوم» ارائه کرده بود، در پاسخ به این سوال که حراج تهران چه اثری بر حوزه تجسمی کشور دارد، گفت:



حراج تهران به‌عنوان رخدادی که باعث شد ما در قامت کشوری که دارای ارزش‌های ویژه خود است و باید محلی برای عرضه محصولات فرهنگی در این حوزه می‌داشت، جای تشکر و دست‌مریزاد دارد و باید از تعدادی آدم که با هم‌دلی آمده‌اند و این رخداد را رقم زدند، تشکر کرد. پیش از این که این رخداد در کشور ما رقم بخورد، اتفاقاتی که قرار بود در حوزه تجسمی بیفتد، در کشورهای حاشیه خلیج فارس به وقوع می‌پیوست و آن‌جا هم این طور بود که به هنرمندان ما خط و نشان می‌دادند که باید این نوع کار را انجام دهید تا ما از شما خریداری کنیم. بنابراین، این حراج به دلیل این که توانست موضوعات هنر تجسمی را به سمت داخل برانهد و در گذشته، وقتی افراد شرکت‌کننده در حراجی‌ها بیشتر دلالت داشتند و مباحث اقتصادی اهمیت دارد، دیگر به این مسائل توجهی نمی‌شود و در حقیقت در فضاهای مبالغ حراجی در اقتصاد هنر ایران مطرح نیست، چرا که در دست عده‌ای خاص است. این مبالغ اصلاً وارد مقله فرهنگ و هنر نمی‌شود و

حراج تهران مثل هر پدیده‌ای موافقان و مخالفان دارد. موافقان در دلیل موافقت‌شان، تشکیل بازاری برای آثار هنری را مهمترین کارکرد این بازار می‌دانند. مخالفان نیز بیشتر انتقاداتشان در زمینه نقش پدرخوانده‌گی علیرضا سمیع آذر است و البته نکته‌های چون کالایی شدن هنر که در نگاه چپ اقتصادی همواره محل بحث و منازعه بوده است...

حراج تهران مثل هر پدیده‌ای موافقان و مخالفان دارد. موافقان در دلیل موافقت‌شان، تشکیل بازاری برای آثار هنری را مهمترین کارکرد این بازار می‌دانند. مخالفان نیز بیشتر انتقاداتشان در زمینه نقش پدرخوانده‌گی علیرضا سمیع آذر است و البته نکته‌های چون کالایی شدن هنر که در نگاه چپ اقتصادی همواره محل بحث و منازعه بوده است...

حراج تهران مثل هر پدیده‌ای موافقان و مخالفان دارد. موافقان در دلیل موافقت‌شان، تشکیل بازاری برای آثار هنری را مهمترین کارکرد این بازار می‌دانند. مخالفان نیز بیشتر انتقاداتشان در زمینه نقش پدرخوانده‌گی علیرضا سمیع آذر است و البته نکته‌های چون کالایی شدن هنر که در نگاه چپ اقتصادی همواره محل بحث و منازعه بوده است...

بی تأثیر در اقتصاد هنر

رضا سمائی، گالری‌دار ایرانی نزدیک به ۴۰ سال است که از انقلاب اسلامی می‌گذرد و در این سال‌ها حراجی‌های ایران به ۱۰ مورد هم نرسد. طبعاً با حراجی‌های بین‌المللی فاصله داریم، اما حراج‌گذاران سعی می‌کنند تا حدود زیادی استانداردها را رعایت کنند. البته با توجه به این که تعدادی از خریداران آثار هنری در خارج از کشور هستند، طبعاً با مشاوره‌های دقیق، ارسال آثار برای آنها صورت می‌گیرد. معمولاً در حراجی‌ها افرادی که علاقه‌مند به خرید آثار هنری باشند، همچنین قدرت خرید داشته باشند، شرکت می‌کنند، اما در حراج تهران اشخاص خاصی از مجموعه‌های خصوصی یا دولتی دعوت می‌شوند که دارای تمکک بالای مالی باشند. در حقیقت چند نفر از افرادی که متعلق به یک شرکت یا گروه هستند و زیر نظر یک فرد اثر می‌کشوند، در حقیقت یک حراج شرکت می‌کنند و به‌طور صوری با هم رقابت می‌کنند. حضور افراد مختلف که در حقیقت با هم هماهنگ هستند در یک حراج باعث می‌شود قیمت چند اثر بالا برود و پس از آن در دیگر آثار نیز این افزایش قیمت تأثیرگذار خواهد بود. البته این مسئله در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد و فضای خاصی را در حراج به وجود می‌آورد، برنده برای همین ما هر سال با افزایش قابل توجهی در آمار کل فروش مواجه هستیم. مبالغ حراجی در اقتصاد هنر ایران مطرح نیست، چرا که در دست عده‌ای خاص است. این مبالغ اصلاً وارد مقله فرهنگ و هنر نمی‌شود و

ابزاری برای سوداگری

پرویز صداقت پژوهشگر اقتصادی وقتی کسی در مخالفت با کالایی شدن هنر صحبت می‌کند، بخش این نیست که هنرمند باید زندگی فقیرانه داشته باشد، بلکه مسأله این است که این سازوکارها هنر را از ذات خود جدا می‌کند و آن را به ابزاری برای سوداگری مالی بدل می‌کند. هنر، میراث مشترک بشری است. خرید و فروش آثار هنری به قصد کسب سود از طریق سوداگری مالی چیزی نیست به جز شکل جدیدی از انباشت سرمایه از طریق سلب مالکیت از مردم. اثر هنری نباید باز پیچه سرمایه‌های مالی برای کسب سود باشد.



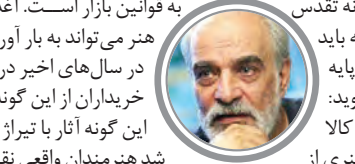
باید آسیب‌شناسی شود

فرح اصولی، هنرمند ایرانی درباره تأثیر گردش مالی حراج تهران بر هنر و به‌ویژه حوزه تجسمی به «شهروند» گفت: در چنین شرایطی خیلی دوسم نندارم درباره حراج صحبت کنم، به این دلیل که این موضوع بسیار دقیق است و به نظر نمی‌شود خیلی فشرده و ساندویچ‌وار مطلبی را گفت و به مردم تحول داد. من اعتقاد دارم این موضوع با از اساس هر موضوع دیگری، تأثیر مثبت و منفی دارد و اگر قرار باشد به آن پرداخته شود، باید به صورت میزگرد یا حضور کارشناسان (که البته دلیل هم ندارد من یکی از مدعوین باشم) بشنیم و درباره این صحبت کنیم



اقتصاد هنر مربوط به قوانین بازار است

آیدین آغداشلو | آیدین آغداشلو مخالف هر گونه تقدس بخشیدن به مسائل زمینی است و بر این باور است که باید مسائل اقتصادی را نه بر پایه مفاهیم کلی که اتفاقاً بر پایه یک سری بحث‌های ملموس به بررسی نشست. او می‌گوید: اقتصاد هنر به لحظه‌ای برمی‌گردد که هنر تبدیل به کالا شده است. این بحث زمانی ایجاد می‌شود که یک اثر هنری از چارچوب شخصی هنرمند خارج شده و به جامعه سپرده می‌شود، در این جا دیگر برخورد با هنر به‌مثابه کالا است. اصولاً فرستادن اثر هنری به جامعه، برای فروش آن را تبدیل به کالا می‌کند. وقتی ما در مورد کالای هنری صحبت می‌کنیم، باید بپذیریم که قوانین بازار بر کالا هم وجود دارد. البته نباید فراموش کرد که استفاده از کلمه کالا به معنی بی‌ارزش بودن آن نیست، بلکه این کالا بسیار باارزش است. بحث اقتصاد هنر ربط زیادی به دیدگاه‌های هنری ندارد و مربوط



رضا آغداشلو، حسین پاکدل در دورهمی گفتگو با کارکنان حراج تهران